

# کلیات

## در موسیقی و ادبیات دری

بازشناسی نظام آموزشی موسیقی سنتی افغانستان و همسایه‌گان

از آغاز عهد اسلامی تا استیلای مکتب خرابات

(سده‌های سوم تا چهاردهم هجری)

دکتر اسدالله شعور

# برخ ششم

## کلیات مرکب

### (مقامات، شعبات و آوازها)

در نسخه‌های خطی دایر بر موسیقی، گاهی با کلیات‌هایی نیز مواجه می‌گردیم که جامع اسامی مقامات، آوازها و شعباتند و برخی از آنها دربرگیرنده‌ی سایر موضوعات مرتبط با مقام‌ها نیز هستند. برخی ازین منظومه‌ها ممکنست برای سرایش در کلیات‌های آوازی کل‌النغم سروده شده باشند؛ بعضی نیز فقط برای آموزش نظری شاگردان و علاقه‌مندان موسیقی. شاید با جستار بیشتر و جدی‌تری بتوان به کلیات‌های مرکب‌تر ازین‌ها نیز دست‌یافت که حاوی گوشه‌ها، ضروب و دیگر اصول و قواعد موسیقی نیز باشد؛ چنانکه در کلیات زیرین در پهلوی یادآوری اسامی مقامات، شعب و آوازها، انتساب مقامات به بروج فلکی دوازده‌گانه و ماه‌های سال که بدانها مرتبط اند؛ نغمات و یا سُرهای آغازین هر مقام که موسیقی‌دانان سبک هندی ما آن را سُرِ گِره می‌خوانند، و بالآخره ترکیب آوازها همه باهم به‌صورت هنرمندانه‌یی بازشناسانده می‌شوند. این کلیات به‌سبب مرکب بودن بیش از حد آن، شاید قابلیت خوانش در کلیات آوازی را نداشته باشد؛ ازینرو می‌توان گفت که این یکی از کلیات‌های ادبی‌بی بوده که می‌تواند تا به‌امروز نیز در خدمت آموزش نظری نظام کهن موسیقی ما نقشی مثبت ایفا نماید.

سراینده‌ی کلیات مورد بحث که یکی از قدیم‌ترین نمونه‌های این ژنر بوده و در بهجت‌الروح

عبدالمؤمن صفی‌الدین بلخی ثبت گردیده است؛ خود را سالکِ ادوار (در برخی از نسخ سالکِ اطوار) خوانده است. آنچه در اثر یادشده آمده، سی و هفت بیتست؛ ولی در یادداشت‌هایی که در اخیرِ نسخه‌ی قلمی دیوان قاری عبدالشکورِ جرأت نگاشته شده، این کلیات حاوی چهل و نه بیت بوده، کلیاتِ انتسابِ مقام‌های موسیقی به‌بروج دوازده گانه‌ی فلکی را نیز در آغاز دارد که سراینده‌ی آن‌را سالکِ دروازی معرفی کرده است؛ زیرا در بیتِ مقطعِ کلیات به‌جای سالکِ ادوار، سالکِ درواز آمده است.<sup>۱</sup> نسخه‌هایی از بخش اخیر‌الذکر در مجموعه‌یی که استاد گرانمایه داکتر عسکرعلی رجبی زیرِ عنوان رساله در بیان دوازده مقام انتشار داده‌اند، و همچنان در رساله‌ی یادداشت‌هایی درباره‌ی موسیقی زنده‌یاد استاد محمدعثمان صدقی و بخش مقام‌ها و شعبات آن در رساله‌ی موسیقی مؤلف گمنامی که در آرشیف ملی کابل موجودست؛ نیز به‌صورت مستقل نقل گردیده است<sup>۲</sup> که دارای تفاوت‌های اندکی نیز هستند.

انتساب این کلیات را به سالکِ دروازی از بن دندان می‌توان نادرست خواند؛ چپ قبل از همه سالک از شعرای سده‌ی سیزدهم درواز بدخشانست، در حالیکه قدامت این کلیات صدها سال مقدم بر زمان زنده‌گی او می‌باشد. دودیکر اینکه او سالکِ تخلص می‌کرد نه سالکِ درواز و لاحق‌ه‌ی دروازی را نیز دیگران (شاید هم شاه عبدالله بدخشی) بر تخلصش افزوده باشد. وزن، شیوه‌ی بیان و سبکِ شعری هردو بخشِ کلیات یادشده، و باهم بودن آن‌ها در یادداشت‌های اخیرِ دیوان مولوی جرأتِ تخاری می‌رساند که این هردو بخش در اصل مربوط کلیات واحدی هستند؛ و ما نیز آن‌ها را بر اساس متن جرأت و مقابله با متون ذکر شده در بالا، به‌عنوان نمونه‌ی خوبی از کلیات‌های مرکب می‌آوریم.

۱: ۶/۲۴

### مقام‌ها و ارتباط آنها با بروج دوازده‌گانه

حمل را مو به‌مو هر گه بدانی	(هاوی را ز هشتم نغمه خوانی
ز هشتم نغمه آید (زنگله) باز	که دارد او ز شاخِ ثور آواز
به‌جوزا گر کمر بندی به‌خدمت	ز نه نغمه ز وی آید (بزرگت
سرطان چون شود مایل به معنی	به‌هفت نغمه کند میلِ مسینی

اسد هرگاه شود بر ناله مشتاق  
 شده تا سنبله بر برج پیدا  
 ز هشتم نغمه آمد **راست** بیرون  
 به عقرب زهره چون گردید واصل  
**عراق** آمد ز نه نغمه به مضراب  
 به جلدی باشی گر ای دل شریکش  
 به سوی دلو اگر مانی تو مارا  
 ز نه نغمه **سپاهان** را بداند

ز هشتم نغمه اش دانی تو **عشاق**  
 ز نه نغمه شده **کوچک** هویدا  
 نه کم آمد به میزان و نه افزون  
**مجاز** آمد ز هشتم نغمه حاصل  
 ز قوس گردید همچون تیر پرتاب  
 به هشتم نغمه دانی **بوسلیک** ش  
 به هشتم نغمه برخوانی **نوا** را  
 کسی کو حوت را از ما بخواند

### مقام‌ها و شعبه‌های هر یک

**رهاوی** شد مقام و شعبه‌ی او  
 ز **نوروز** عرب گر نغمه جویی  
**مسنینی** شد مقام نیک اختر  
**دوگاه** آمد دو نغمه، گر بدانی  
 تو هرگه در مقام **راست** پویی  
**مبْرَقْع** چون ز هشتم نغمه شد ساز  
 مقام آمد **مجاز** اندر عبارت  
 سه نغمه شد **سه گاه** ای مرد آگاه  
**بزرگ** آمد مقام ای مرد هشیار  
**همایون** شد ز هفتم نغمه حاصل  
 ازان **کوچک** مقام دلکش آمد  
 چو **رَکَب** آمد سه نغمه ای دل و جان!  
**عراق** ای دل مقام اشتیاقست  
 ز هشتم نغمه جو **مغلوب** ای یار  
 چو **اصفهان** مقامی نیست ای جان!  
 شود حاصل ز پنجم نغمه **نیریز**

تو **نوروز** عرب را و **عجم** گو  
**عجم** را نیز از شش نغمه گویی  
 ز دل آمد **دوگاه** و هم **مُمیّر**  
**مُمیّر** را ز هشتم نغمه خوانی  
**مبْرَقْع**؛ **پنمگاه** از وی بجویی  
 ز پنجم نغمه آمد **پنمگه** باز  
 ز وی آمد **سه گاه** و هم **مصاتر**  
**مصاتر** آمد ز هشتم نغمه آنگاه  
**همایون** و **نهفت** از وی پدیدار  
**نهفت** آنگه ز هشتم نغمه ای دل!  
 که هم **رَکَب** و **بیاتی** زان خوش آمد  
**بیاتی** را ز پنجم نغمه می دان!  
 کزو **مغلوب** و هم **روی** **عراق** است  
 ز پنجم نغمه هم رو در **عراق** آر  
 تو **نیریز** و **نشاپور** نیز و ازان دان!  
 ز شش نغمه **نشاپور** بود نیز

نوا آمد مقام و هست مشهور  
 ز پنجم نغمه‌اش **نوروزِ فارا** است  
 مقامِ نوگر از **عشاق** خیزد  
 بود **زاوَل** ز سه نغمه هویدا  
 چو **زنگوله** مقام آمد به‌رحال  
 ز **چارم** نغمه آمد **چارگاهم**  
 مقام **بوسلیک** ای وفاجوی  
**عشیران** را ز ده نغمه بیاری  
 ز وی **نوروزِ فارا** دان و **ماه‌ور**  
 هم از شش نغمه **ماه‌ور** آشکاراست  
 ز وی هم **زاوَل** و هم **اوچ** ریزد  
 ز هشتم نغمه شد هم **اوچ** پیدا  
 ز وی تو **چارگه** می‌دان و **عزال**  
 ز پنجم نغمه دان **عزال** را هم  
 ز وی آمد **عشیران** و **صبا** گوی  
**صبا** را هم ز پنجم نغمه آری

### آوازه‌ها

تو **سلمک** را یکی آوازه ای یار!  
 اگر **سلمک** تو خواهی کرد پیدا  
 دگر **گردانیه** ای روزافزون!  
 ترا **گردانیه** ای شاهِ خوبان  
 اگر **نوروز** می‌خواهی که بینی  
 بدان **نوروز** را ای مرد هوشیار  
 اگر جویی **گوهشت** از مهروماه هم  
 ازینها گر **گوهشت** از بر نمانم  
 به **مایه** هرکی را شد اشتیاقش  
 تراگر **میلِ مایه** هست دریاب!  
 اگر **شهناز** می‌خواهی ز راوی  
 ترا **شهناز** در چنگ و چغانه  
 ز **اصفاهان**، و **زنگوله** بیرون‌آر!  
 کنی از یازده نغمه هویدا  
 ز **عشاق** آمد و از **راست** بیرون  
 ز نه نغمه شود معلوم می‌دان!  
 بجوی از **بوسلیک** و از **مسینی**  
 که می‌آید ز **چارم** نغمه هشدار  
 بیایی از **همجاز** و از **نوا** هم  
 ز نه نغمه بیایی جانفزایم!  
 بدید از **کوچک** وهم از **عراق**ش  
 ز پنجم نغمه می‌آید به‌مضرب  
 بجویش از **ببزرگ** و از **رهاوی**  
 ز شش نغمه نماید ای یگانه

سباقِ سالکِ ادوار هشدار

زهردو، دو مقام، آوازه‌یی آر!

محمد محسن نزیل سامرای معروف به آقابزرگ تهرانی (پدر استاد احمد منزوی) در اثر معروف خویش به زبان عربی - الذریعه الی تصانیف الشیعه - از کلیات دیگری نیز یاد کرده که

در مقطع آن عبارت «سالک اطوار» آمده است. این کلیات بنا به گفته‌ی او در نسخه‌ی شماره ۲۱۴۲ کتابخانه‌ی مدرسه‌ی مطهری (سپهسالار سابق) درجست. نگارنده در هنگام بازدید ازین کتابخانه در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ ش موفق به دیدن این نسخه نه‌گردید؛ زیرا به قول جناب رحمت نصاری (بر وزن نثاری) آن را برای گرفتن مایکروفلم برده بودند. مؤلف الذریعه ابیات آغازین و فرجامین این کلیات را چنین ثبت نموده است:

۲۵/۶: ۲

مطلع:

در شیوه‌ی موسیقی سخن بسیارست از جمله و وجود هر سخن ادوارست

مقطع:

غافل منشین ز نغمه‌ی داؤودی کین قول یقین ز سالک اطوارست<sup>۵</sup>

سالها پیش ازین، زنده یاد استاد علی اصغر بشیر که با زنده یاد محمدانور نیر مشغول فهرست نگاری نسخه‌های خطی آرشیف ملی بودند؛ به مناسبتی سیاهه‌ی اسامی موسیقی دانان دوره‌ی تیموریان هرات را برای نگارنده یادداشت داده بودند که در میان آن‌ها اسم سالک‌الدین غوری مقلب به ابوالادوار نیز دیده می‌شد؛ ولی منابع معدودی که درین جستار در اختیار قرار داشت، چنین اسمی را به دست نداد؛ ولی اسم مشابهی به صورت ابوالانوار سالک‌الدین محمد (۸۴۷ - ۹۱۵ هـ) پسر ابوالمعارف مولانا نجم‌الدین محمد یزدی (۸۱۸ - ۸۸۵ هـ) را در همان عصر می‌بینیم که پسرش - ابوالحامد کاشف‌الدین محمد یزدی - رساله‌ی بی در موسیقی دارد. نسخه‌ی بی ازین رساله در مجموعه‌ی شماره ۶۹۲ C در کتابخانه‌ی سن پترزبورگ روسیه موجودست.<sup>۶</sup>

به باور نگارنده عبارت «سالک ادوار» و «سالک اطوار» نباید تخلص سراینده‌ی این کلیات ها باشد؛ زیرا مفاهیم لغوی این دو عبارت که در چندین کلیات ذکر یافته است؛ در جای خویش افاده معنی درست داشته، رهروان موسیقی سنتی و علاقمندان راه درست آموزش موسیقی را می‌رساند. دودیدگر اینکه اگر یکی ازین کلیات‌ها، برافزوده‌ی رونویسگران پسین بهجت الروح عبدالمؤمن بلخی در آن رساله نباشد؛ تا اواخر عهد غزنویان و عروج غوریان قدامت پیدا می‌کند که به این ترتیب زمان سرایش آن با دوران زنده گی هردو سالک‌الدین

مطابقت یافته نمی‌تواند. پس مسلم می‌گردد که این کلیات به هیچ سالک‌الدین نامی ارتباط نداشته، بلکه سراینده‌ی آن با الهام از مصطحات عرفانی، آموزنده‌گان نظام سنتی موسیقی را سالکان ادوار و اطوار خوانده‌است که واژه‌ی سباق (صورت جمع کلمه‌ی سبق) نیز در یکی ازین کلیات‌ها در پهلوی سالک، به شکل «سباقِ سالکِ ادوار هشدار»؛ می‌تواند مؤید این نظر باشد.

\* \* \*

نمونه‌ی دیگری از کلیات‌های مرکب؛ همان کلیاتِ معروفِ منسوب به نجم‌الدین کوکبی است که پیش ازین در باره‌اش به تفصیل سخن گفته‌ام؛ زیرا قطعه‌ی مذکور گذشته ازینکه حاوی مقامات و شعبِ موسیقیست؛ به‌باورِ این قلم، کلیات آوازها به مطلع زیرین نیز باید جزئی از آن باشد:

شش آواز هست و درجایی ست، هر یک

در اسپاهان و زنگوله‌ست سلمک

به‌علتِ آنکه این شش بیت نیز از نظرِ زبان، سبک و وزنِ شعر عیناً همانندِ کلیاتِ یادشده می‌باشد. چون هر دو بخشِ آن کلیات در فصل‌های پیشین از نظرِ مبارک خواننده‌ی عزیز گذشته‌اند؛ ازینرو به‌همین یادآوری مختصر بسنده نموده، از تکرارِ آن‌ها می‌گذریم. علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه‌ی مجددِ هردو قسمتِ یادشده، به بخشِ سوم (صفحات ۵۱ - ۵۲) و برخ سومِ بخشِ پنجم (صفحه‌ی ۱۳۶) مراجعه فرمایند.





## مدارک و پینوشت‌ها:

- ۱ - دیوان قاری عبدالشکور جرأت. نسخه‌ی متعلق به پسران او. صص ۱۲۱ - ۱۲۳.
  - ۲ - صدقی، محمد عثمان. یادداشت‌هایی درباره‌ی موسیقی. نسخه‌ی تایپ شده‌ی کتابخانه رادیو تلویزیون افغانستان. ص ۳۳.
  - ۳ - مؤلف ناشناخته. رساله‌ی موسیقی. نسخه‌ی شماره ۲۰۷/۱۶ آرشیف ملی افغانستان. صص ۱۱۹/۴ - ۱۲۰. تفاوت‌های این نسخه بیشتر در ترتیب ابیات آنست.
  - ۴ - دیوان جرأت. ص ۱۲۱.
- یادداشت‌هایی درباره‌ی موسیقی. ص ۳۳.
- رساله در بیان دوازده مقام. به‌کوشش عسکرعلی رجبی. ص ۴۶.
- تفاوت‌های منابع دوم و سوم با مأخذ نخستین ازین قرارند:
- مصرع نخست: صدقی: حمل چون ماه فروردین بدانی  
مصرع سوم: صدقی: به هشتم نغمه سازد زنگله ساز  
مصرع چهارم: رجبی: ز شوران شاخ آواز.  
مصرع هفتم: رجبی: در ناله  
مصرع نهم: صدقی: شود تا ...  
مصرع دهم: صدقی: ز نه نغمه شود ...  
مصرع دوازدهم: رجبی: ز میزان  
مصرع چاردهم: صدقی: حجاز آید ...



مصرع پانزدهم: صدقی: عراق آید . . .

مصرع شانزدهم: صدقی: ز قوس آید . . .

رجبی: ز قوس آمد برون چون تیر پرتاب

مصرع هفدهم: رجبی: به جدی باشی اگر ای دل

مصرع نوزدهم: رجبی: خوانی تو ما را

مصرع بیستم: رجبی: ز هشتم نغمه دانی نوا را

مصرع بیست و یکم: صدقی: سپاهان را بدانی.

مصرع بیستم و دوم: صدقی: به برج حوت سپاهانی بخوانی.

۵- دیوان جرأت. صص ۱۲۱ - ۳۲۱.

- بهجت‌الروح. صص ۸۴ - ۲۵.

تفاوت‌های منبع دومی ازین قرار اند:

مصرع بیست و ششم: عجم را هم ز شش نغمه بگویی

مصرع شصتم: زابل . . . زاید

مصرع شصت و یکم: زابل

مصرع شصت و پنجم: چارگه هم

یادداشت: قاری عبدالشکور جرأت یکن از سخنوران بسیار غنیمت و قاریان درجه یک قرآن عظیم‌الشأن در کشور بود که در سال ۱۳۴۷ ش در کابل دیده از جهان فرو بسته است. رادیو افغانستان که در سال ۱۳۱۸ ش بعد از یک دهه وقفه مجدداً به نشرات آغاز کرد، با قرائت ملکوتی او گشایش یافت.

در روزهای پایانی زندان سیاسی نگارنده در ماه‌های اخیر سال ۱۳۶۵ ش در محبس پلچرخی با پسر او که یکی از افسران پلیس بود و در ضدیت با رژیم دست‌نشانده‌ی مسکو تازه به‌زندان سیاسی افتاد، آشنا شدم. او در روزهای اخیر از نگارنده خواست تا در تنظیم دیوان پدرش قاری جرأت با ایشان کمک کنم. چون از زندان رهایی یافته‌ام، یکی دو هفته بعد برادر کوچکتر او دیوان پدرش را به منزل نگارنده آورد که بلادرنگ کار بالای آن آغاز یافت. ولی یکی دو ماهی گذشته بود که حالت اضطرار اعلان گردیده، دستگیری وسیع مخالفین شناخته شده‌ی دولت مزدور از سر آغاز یافت و نگارنده مجبور گردید تا به‌صورت عاجل ترک وطن نماید که این غربت تا به امروز نیز ادامه دارد. با کمال تأسف که آن دیوان غنیمت به سان چندین نسخه‌ی قلمی دیگر و برخی از کتابهای آماده‌ی چاپ خود نگارنده با پنجهزار کتاب چاپی و کلکسیون

های نشرات قدیمه‌ی کشور همه در اختیار دیگران ماند و در جنگ‌های تنظیمی کابل همه به تاراج رفتند. از دیوان جرأت به جز سه یادداشت چیز دیگر نزد نگارنده باقی نیست. و این امر طی مدت تقریباً دو دهه‌ی گذشته روحاً اذیتم می‌کند که به‌جای کمک به خانواده‌ی جرأت دیوان زیبای پدر شان از نزدم تلف گردید. این چند سطر را به‌خاطر تخفیف همین ناراحتی روانی خویش یاد کردم و آرزمندم که آن اثر به‌دست آدم صالح و باسوادی افتاده، و هنوز موجود باشد.

۵ - نزیل سامراء، محمد محسن (آقا بزرگِ تهرانی). الذریعه إلی تصانیف الشیعه. نجف: شرکت تهرانیه. ۱۳۵۵/هـ/۱۹۳۶ م. ص ۲۶.

دوست گرامی نگارنده، استاد محمد آصف فکرت هروی این کتاب بیست و شش جلدی را در سه هزار صفحه خلاصه نموده و به زبان دری برگردانده اند که در شش جلد به طبع رسیده است. رک:

— مصنّفات شیعه (ترجمه و تلخیص الذریعه إلی تصانیف الشیعه تألیف شیخ آقا بزرگ تهرانی). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. ۱۳۷۲-۱۳۷۶ ش. در شش جلد.

۶ - کاشف‌الدین محمد یزدی. رساله موسیقی. نسخه‌ی شماره ۶۹۲/۱ کتابخانه‌ی پژوهشکده‌ی شرقشناسی اکادمی علوم پترزبورگ (لنینگراد سابق) روسیه. صص ۱ - ۳.

